



مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی
د ستراتژیکو او سیمه ییزو څېړنو مرکز

تحليل هفته

شماره: ۲۳۲ (از ۱۱ الی ۱۸ قوس ۱۳۹۶ هـ ش)

این نشریه مجموعه تحلیل رویدادهای مهم سیاسی و اقتصادی هفته وار است که به زبان های پشتو، دری، انگلیسی و عربی، توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی تهیه و نشر می گردد، تا نهادهای سیاست گذار و پالیسی ساز از آن استفاده نمایند.

شماره ویژه:

- ۲ مقدمه
- ۳ بن بست صلح در کشور و راه بیرون رفت
- ۴ سروی
- ۴ برخی یافته های سروی
- ۵ پیشنهادها به جهت های درگیر
- ۷ پیشنهاد های فعالان صلح به جهت های درگیر جنگ افغانستان
- ۸ سخنرانان

مقدمه

این شماره تحلیل هفته به گزارش، پیشنهادهای و سایر معلومات کنفرانسی که هفته گذشته توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی به ادامه تلاشهای تامین صلح در کشور تدویر یافت، اختصاص یافته است.

در بخش اول، معلوماتی در مورد این تلاش مرکز که در یک نامه معلوماتی به اشتراک کننده گان و نماینده گان رسانه ها در این کنفرانس نیز توزیع گردید، ارائه گردیده است. در این نامه معلوماتی، یافته های مهم سروی که توسط این مرکز در رابطه به صلح انجام یافته، بیان شده است. در کنار این، پیشنهادهای مشخصی که مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی در تحقیق ها و سایر فعالیت های خویش به عنوان نتیجه گیری در رابطه به صلح به دست آورده، جابجا گردیده است.

در بخش دوم، نکات مهم سخنرانی ها، و پیشنهادهای مشخص سخنرانان این کنفرانس به جهت های درگیر قضیه افغانستان، به گونه تفصیلی بیان شده است. سخنرانانی که در عرصه صلح فعال اند و به خصوص در تلاش های تفاهم بین الافغانی از تجاربی نیز برخوردار اند.

در کل، این کنفرانس و سروی مربوط به صلح، به گونه گسترده توسط رسانه ها به نشر رسید؛ ولی در گزارش های بیشتر رسانه ها، برخی جوانب و نکات مهم این موضوع پوشش نیافته بود. به همین دلیل، مرکز مطالعات در این شماره تحلیل هفته خویش، نکات مهم سخنرانی های این کنفرانس را، به گونه تفصیلی به نشر می سپارد.

بن بست صلح در کشور و راه بیرون رفت



تلاش‌های پایان دادن به جنگ در افغانستان از چندین سال به این سو جریان دارد، ولی این روند تاکنون توفیقی نداشته است و جنگ جاری هم‌روزه از افغان‌ها قربانی می‌گیرد که در کنار ناامنی‌ها، روی تمامی عرصه‌های دیگر نیز سایه افکنده است.

مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی (CSRS)، به عنوان نهاد فعال در عرصه صلح، پیش از این نیز چندین کنفرانس و سمینار ملی و بین‌المللی را به منظور موفقیت پروسه صلح در کشور برگزار نموده و در تحقیقات، نشریات و سایر فعالیت‌های خویش نیز به این عرصه توجه بیشتر داشته است.

اینکه در حال حاضر تلاش‌های صلح با یک بن‌بست مواجه شده است و بیرون رفت از این وضعیت یک نیاز جدی کشور پنداشته می‌شود، بنابر همین نیاز مرکز مطالعات نخست یک نظرسنجی را از نخبه‌گان و فعالین عرصه صلح انجام داد و بعداً نشستی را برای ارائه نظریات شخصیت‌های فعال در عرصه صلح دایر نمود، تا وضعیت کنونی و راه‌حل آن را مورد بحث قرار دهند.

به این کنفرانس هفت تن سخنران دعوت شده بود که نماینده نهاد فعال حکومت برای تلاش‌های صلح نیز در جمع آن‌ها بود، ولی آن‌ها در این نشست اشتراک نکردند. شش سخنران دیگری که در این کنفرانس سخنرانی کردند، عبارت بودند از:

1. دکتر عبدالباقی امین، رئیس مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی
2. انجنیر محمد امین کریم، رئیس هیأت مذاکره کننده حزب اسلامی افغانستان در مذاکرات صلح حزب اسلامی - حکومت افغانستان
3. ملا عبدالسلام ضعیف، شخصیت سیاسی و فعال عرصه صلح
4. محمد ناطقی، رئیس کمیسیون نظارت بر تطبیق توافقنامه حکومت وحدت ملی
5. محمد زمان مزمل، شخصیت سیاسی و فعال عرصه صلح
6. پوهاند گل رحمن قاضی، رئیس شورای صلح و نجات افغانستان

سروی:

مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی در سه ماه گذشته (از اول سنبله الی پنجم قوس) در شش شهر بزرگ کشور (کابل، هرات، کندهار، ننگرهار، بلخ و کندز) از نخبه گان جامعه در مورد صلح نظرپرسی کرده است. در این سروی، از شماری از دست اندرکاران نهادهای فعال در عرصه صلح، افراد و شخصیت های فعال در عرصه صلح، استادان پوهنتون و سایر نخبه گان و اهل نظر از طریق یک پرسشنامه نظرپرسی شده است که تعداد آنها جمعا به ۱۸۵۵ تن می رسد. در این کنفرانس برخی یافته های مهم آن نیز، با رسانه ها در میان گذاشته شد؛ ولی نتایج و یافته های تفصیلی آن بعدا توسط مرکز به نشر خواهد رسید.

برخی یافته های سروی:

- (1) بر بنیاد یافته های سروی، ۸۲٫۸۱ درصد از پرسش شونده گان به این نظر بودند که جنگ جاری در کشور جهت برنده ندارد و پایان این جنگ با صلح امکان پذیر است.
- (2) اینکه تلاش های صلح چرا تا اکنون موفق نبوده است، ۶۷٫۴۱ درصد از اشتراک کننده گان این نظرپرسی عامل آن را عدم موجودیت اراده واقعی حکومت برای صلح پنداشته است.
- (3) از مجموع پرسش شونده گان، ۷۳٫۰۶ درصد آن ها گفته اند که جنگ نیابتی در کشور جریان دارد و در حال حاضر افغان ها از صلاحیت صلح به معنای واقعی آن برخوردار نیستند.

- (4) حدود ۶۵/۵۵ درصد از اشتراک کننده‌گان سروی به این نظر بودند که پاکستان نمی‌تواند طالبان را به مذاکرات صلح حاضر نماید، ولی در این مورد نقش کمک کننده را ایفا کرده می‌تواند.
- (5) براساس نتایج سروی، ۷۶/۳۹ درصد از اشتراک کننده‌گان به این نظر بودند که شورای عالی صلح نقش میانجی واقعی در گفتگوهای صلح ایفا کرده نمی‌تواند.
- (6) در پاسخ به این پرسش که گفتگوهای صلح چگونه پیش برده شود، ۷۸/۸۸ درصد از پرسش‌شونده‌گان نظریه‌پرسی به این باور بودند که برای موفقیت پروسه صلح به یک جهت میانجی بی‌طرف افغان‌ها نیاز است.
- (7) همچنان فیصدی بلند اشتراک کننده‌گان، یعنی ۹۰/۲۶ درصد آن‌ها با طرح تفاهم بین‌افغانی برای موفقیت پروسه صلح، موافق بودند.

پیشنهادهای به جهت‌های درگیر:

مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی بر بنیاد تحقیقات و سایر فعالیت‌های خویش در عرصه صلح، موارد ذیل را برای موفقیت تلاش‌های صلح پیشنهاد می‌کند:

- (1) جنگ راه‌حل نیست، جنگ‌های گذشته ثابت ساخته است که هر جنگ با گفتگوها و صلح پایان می‌یابد. بنابراین، از جهت‌های درگیر تقاضا داریم تا از هر راه ممکن زمینه را برای صلح مساعد نموده و از خونریزی بیشتر در کشور جلوگیری نمایند.
- (2) اینکه جهت‌های اصلی جنگ در کشور افغان‌هاست و قربانیان اصلی آن نیز افغان‌هاست، تقاضای ما از حکومت افغانستان این است که برای پایان دادن به جنگ، بر تفاهم میان افغان‌ها تمرکز گردد و پاکستان به عنوان دروازه‌ اساسی صلح پنداشته نشود.
- (3) هرچند جنگ کنونی در کشور زیر عنوان «جنگ با خارجی‌ها» جریان دارد، ولی اکثریت قربانیان آن افغان‌هاست؛ بنابراین از طالبان می‌خواهیم تا مسؤولیت پایان دادن به این جنگ را درک نموده و به جای جنگ روی پایان دادن به این جنگ فکر کنند.
- (4) ما برای موفق شدن تفاهم بین‌افغانی، روی ایجاد یک جهت میانجی تاکید می‌کنیم که برای تمام جهت‌های این جنگ قابل قبول باشد، تا بی‌اعتمادی‌های موجود را کاهش داده و در نزدیک نمودن نظریات هر دو جهت نقش موثر ایفا نماید.

(5) صلح یک قضیه ملی است و ابتکار آن نیز باید افغان‌ها در دست خود بگیرند، به همین دلیل هرچند موجودیت ساختارهای متعدد برای تامین صلح در کشور مفید است، اما برای هماهنگ کردن آن‌ها تلاش صورت گیرد و با پروسه صلح به عنوان یک پروژه برخورد صورت نگیرد و از استفاده سیاسی از آن، جلوگیری شود.

پیشنهادهای فعالان صلح به جهت‌های درگیر جنگ افغانستان



دکتور عبدالباقي امين رئيس مركز مطالعات استراتيژيك و منطقوي

شخصیت‌های فعال در تلاش‌های صلح، پیشنهادهای مشخص خویش را در کنفرانس «بن‌بست صلح در کشور و راه بیرون رفت» که توسط مرکز مطالعات استراتیژیک و منطقوی برگزار شده بود، به جهت‌های درگیر قضیه افغانستان ارائه نمودند.

در این کنفرانس که شنبه گذشته ۱۱ قوس ۱۳۹۶ در هوتل انترکانتننتل شهر کابل تدویر یافت، شماری از چهره‌های سیاسی، مقام‌های حکومتی، نماینده‌گان برخی سفارت‌های خارجی در کابل، شخصیت‌های فعال در عرصه صلح و نماینده‌گان رسانه‌ها اشتراک ورزیدند.

در کنار اعلام یافته‌های مهم سروی که توسط مرکز مطالعات استراتیژیک و منطقوی انجام یافته است، شش تن از سخنرانان در این کنفرانس، بن‌بست کنونی صلح در کشور و راه‌حل آن را مورد بحث قرار دادند.

دکتر عبدالباقي امين:

دکتر عبدالباقي امين سخنان نخست کنفرانس و رئيس مرکز مطالعات استراتيژيک و منطقوي با اشاره به اهميت اين نشست گفت: «اين گردهمايي در مورد يک قضيه مهم و حياتي براي ملت افغانستان است و ما خواستيم جهت‌هاي موثر در پروسه صلح که بايد در اين عرصه گام بردارند، در اين کنفرانس نظريات خويش را ارائه نمايند.»

آقاي امين در ابتدای سخنان از خسائر جنگ جاري در کشور يادآوری نموده گفت که بر بنياد آمار ارگان‌هاي بين‌المللي، تاکنون ده‌ها هزار افغان قرباني اين جنگ شده‌اند. وی گفت: «تنها از سال ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۶ براساس گزارش‌هاي يوناما، ۷۴۰۰۰ تن فرد ملکی در اين جنگ کشته شده‌اند. همچنان نظر به اظهارات برخي مقام‌هاي حکومتي، همه‌روزه حدود ۱۰۰ تن از نيروهاي افغان قرباني اين جنگ می‌شوند که ممکن دوچند اين رقم همه‌روزه از جانب مخالف حکومت نیز تلفات داشته باشند. همين جنگ است که روی تمامی عرصه‌ها سايه افکنده و ما اکنون از يک حکومت قوی و کارا برخوردار نيستيم، ۳٫۵ ميليون افغان معتاد به مواد مخدر داريم، جوانان ما از ناامنی و بی‌کاري از کشور فرار می‌کنند. نظر به اين تلفات و حقايقی که بيان شد، تصور بکنيم که مشکل افغانستان تا چه حدی بزرگ است.»

به گفته او، استراتيژي محوه نمودن جهت مقابل جنگ که در سال ۲۰۰۱ و آمدن نيروهاي خارجي به افغانستان عملی شد، زيان‌هاي بزرگی را به افغان‌ها وارد نموده است، ولی با وجود حضور يافتن تعداد بلند سربازان خارجي در کشور، اين راه‌کار ناکام ثابت شد و قناعت بر اين شد که قضيه افغانستان از راه جنگ حل نمی‌گردد و بايد به گفتگوهاي صلح روی آورد.

دکتر امين با اشاره به تلاش‌هاي حکومت افغانستان و برخي ارگان‌ها و جهت‌هاي مستقل در رابطه به صلح، ابراز داشت که گرچند هر تلاش صلح اميدهايی نیز در همان زمان با خود داشته است، ولی در کل تمامی تلاش‌هاي صلح تا اکنون نتيجه‌بخش نبوده است. او از جمله اين تلاش‌ها، ايجاد شوراي عالی صلح در سال ۲۰۱۰ و سپس گشايش دفتر طالبان در قطر در سال ۲۰۱۳ يادآوری نمود. همچنان به گفته او، نشست‌هاي پگواش نیز تا حدی به تفاهم ميان جهت‌هاي درگير قضيه زمينه‌سازي کرد، ولی آن نشست‌ها نیز به يک راه‌کار عملی منتج نشد. پس از روی کار آمدن حکومت وحدت ملی مذاکرات رودررو در ارومچی و مری نیز صورت

گرفت، هرچند طالبان حضور نماینده گان خویش در نشست ارومچی را تایید و در نشست مری رد نکردند، ولی این نشست ها نیز به دلائل گوناگون توفیقی در پی نداشت. به گفته آقای امین، شش دور مذاکرات چهارجانبه نیز بی نتیجه بوده که ممکن دلیل آن نیز عدم حضور یک جهت اصلی جنگ (طالبان) در این مذاکرات و یا هم تلاش تفاهم با آن ها از طریق پاکستان بوده است.

دکتر عبدالباقی امین از مشکلاتی نیز یادآوری کرد که تاکنون به دلیلش این پروسه به موفقیت نرسیده است و مهم ترین آن ها را عدم موجودیت تفاهم بین الافغانی خواند. او گفت: «هر دو جهت، جهت مقابل خود را فاقد استقلال و صلاحیت می خواندند، طالبان می گفتند که حکومت افغانستان استقلالیت و صلاحیت ندارد و باید با امریکایی ها گفتگو صورت گیرد و بالمقابل حکومت افغانستان نیز می گفت که پاکستان جهت موثر در قضیه است و باید نخست با پاکستان مشکل یکطرفه شود. به همین دلیل نتوانستند برای حل این قضیه، به یک تفاهم بین الافغانی برسند.»

آقای امین با اشاره به عدم موجودیت آدرس مشخص مخالفین مسلح دولت گفت، از همان ابتداء این مشکل به عنوان یک مشکل جدی مطرح بوده، ولی زمانی که در قطر دفتر طالبان گشایش یافت، امیدهایی را به میان آورد که ممکن این قضیه از طریق تلاش های مسالمت آمیز حل گردد. ولی مشکلاتی که در این عرصه نیز وجود داشت، باز هم حکومت افغانستان نتوانست گفتگوها با طالبان را آغاز کند.

همچنان به گفته او، مطرح شدن شورای عالی صلح به عنوان یگانه دروازه صلح نیز مشکل دیگری بود که در سر راه گام هایی که در این رابطه باید برداشته می شد، موانعی ایجاد کرد.

وی در کل، برای موفقیت پروسه صلح، بر تفاهم بین الافغانی و ایجاد یک جهت میانجی بی طرف افغان ها تاکید نمود.

دکتر عبدالباقی امین، برخی یافته های مهم سروی مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی که در مطلب نخست همین شماره (بن بست صلح در کشور و راه بیرون رفت) ارائه گردید، نیز اعلام کرد.

انجنیر محمد امین کریم:

انجنیر محمد امین کریم، سخنان دوم کنفرانس و رئیس هیأت مذاکره کننده حزب اسلامی در گفتگوها میان این حزب و حکومت افغانستان، از تجربه صلح حزب اسلامی برای موفقیت پروسه صلح با طالبان سخن گفت. آقای کریم گفت: «از نظر ما از جانب هر دو جهت چندین مانع عملی در برابر صلح وجود دارند و تا زمانی که هر دو جهت به جای شعارهای کلیشه‌یی شماری از واقعیت‌های عینی جامعه که تا اکنون انکار شده، نپذیرند، موفقیت پروسه صلح ممکن به نظر نمی‌رسد.»



انجنیر محمد امین کریم، رئیس هیأت مذاکره کننده حزب اسلامی در گفتگوها میان این حزب و حکومت افغانستان

آقای امین چند نکته ذیل را به عنوان واقعیت‌هایی مطرح کرد که پذیرفتن آن‌ها برای هر دو جهت ضروری پنداشته می‌شود:

نخست؛ در گفتمان حاضر جنگی از جهت مقابل که عمدتاً طالبان است، تصویری ارائه می‌گردد که به هیچ صورت یک انسان عادی خواهان صلح با چنین کسی نیست. گروه طالبان در مطبوعات ما و از سوی نیروهای سیاسی مسلط در کشور، یک گروه مزدور، وحشی، تروریست و غیر افغانی معرفی می‌شود و تا زمانی که این صحبت که یک صحبت جنگی است و تا حدی قابل درک نیز است، وجود داشته باشد، به هیچ صورت امکان باز کردن دریچه صلح در کشور میسر نیست. ما این حقیقت را چه خوش هستیم و چه ناخوش باید بپذیریم که طالبان از نگاه عقیدتی، اجتماعی و طبقاتی جزء لاینفک جامعه افغانستان و واقعیت فکری و تاریخی انکار

ناپذیر کشور ماست؛ نه یک گروه خارجی، مزدور، وحشی و بیگانه. پذیرفتن این اصل به خودی خود ما را به جهت سوق می‌دهد که با جمع از مردم خود به تفاهم برسیم.

دوم؛ طالبان در سال ۲۰۰۱ قدرت در افغانستان را در دست داشتند و با رویدادهای یازدهم سپتامبر نیروهای خارجی به افغانستان آمدند، رژیم طالبان را سرنگون کردند و جناح‌هایی را به قدرت آوردند که آن‌ها با طالبان در جنگ بودند و تا امروز نیز قدرت در دست همان جناح‌ها است. این هم یکی از واقعیت‌هایی است که انکار شده نمی‌تواند. در ۱۵ سال گذشته ما شاهد تلاش‌هایی بودیم که رقبای داخلی شان توسط نیروهای خارجی محوه و نابود شوند. با وجود این واقعیت، چگونه ممکن خواهد شد که جهت حاکم آماده به شریک ساختن مخالفین و رقبای خویش در قدرت شود، از انحصار قدرت بگذرد و به قیمت صلح آماده به این شود که مقداری از قدرت را با یک بخش بزرگ و وسیع ملت خود تقسیم نماید؟! بنابراین، انحصارگرایی در قدرت نیز یکی از موانع مهم در برابر صلح پنداشته می‌شود.

سوم؛ واقعیت سوم که به تحریک طالبان متوجه است، این است که ادعای داشتن امارت اسلامی در کشور و آن را یک امر ابدی دانستن، به هیچ صورت راه صلح در کشور را باز نمی‌کند. طالبان نمی‌توانند با درنظرداشت وضعیت اجتماعی و ملی ما و با درنظرداشت واقعیت‌های منطقی، ادعا داشته باشند که تحریک آن‌ها تا ابدالابد صاحب قدرت بلا منازع باشد و هر کسی که آن‌ها تعیین می‌کنند، باید رهبر بلا منازع افغانستان باشد. این یک ادعای غیر واقعی است.

چهارم؛ واقعیت این است که مباح الدم دانستن افراد جهت مخالف از سوی تحریک طالبان، تحت نام همکاری با خارجی‌ها، چه مامور دولت باشد و یا فرد نظامی و از نگاه دینی کشتن آن‌ها را توجیه کردن، خلاف مقوله‌های دینی و خلاف عینیت واقعی جامعه ماست. تا زمانی که این تصور تکفیری وجود داشته باشد، این جنگ همین‌گونه ادامه خواهد داشت.

پنجم؛ واقعیت دیگری نیز که باید تحریک طالبان آن را بپذیرد، گذشتن از مسئله تغلب است. اعتقاد بر تغلب (اگر گروهی از مسلمانان قدرت را به زور گرفتند، قدرت آن‌ها از نگاه دینی شرعی است) یک اعتقاد غیر دینی و یک مسئله عارضی در تاریخ اسلام است.

آقای محمد امین کریم همچنان با توجه به تجربه صلح حزب اسلامی با حکومت افغانستان، روی پذیرفتن چند واقعیت دیگر نیز تاکید نمود:

نخست؛ ما با این نتیجه رسیده‌ایم که قانون اساسی افغانستان با وجود اینکه مشکلات جدی نیز دارد، ولی در سطح کشورهای منطقه یکی از مرفقی‌ترین قانون‌های اساسی است. اگر هم نیاز به تغییر این قانون باشد، نباید از طریق میله تفنگ صورت گیرد.

دوم؛ واقعیت دیگری که باید پذیرفته شود این است که این جامعه و این نظام به شکلی که در ۱۷ سال گذشته شکل گرفته است، پذیرفته شود. باید پذیرفت که حکومت و دولت یک مؤسسه انسانی است و تغییر در آن، به جای میله تفنگ باید از طریق پذیرفتن آرای مردم صورت گیرد.

سوم؛ اگر ما می‌خواهیم صلح نماییم، حکومت افغانستان را باید به عنوان یک حقیقت تلخ بپذیریم و به این ترتیب از طریق تفاهم بین‌افغانی که اداره و سرنوشت آن در دست افغان‌ها باشد، مذاکرات صورت گیرد. صلح با دشمن می‌شود و هیچ جهتی گفته نمی‌تواند که دشمن من باید چنین مواصفاتی داشته باشد.

چهارم؛ واقعیت این است که پس از سال ۲۰۱۴ بیش از ۹۰ یا ۹۵ درصد از نیروهای خارجی که انگیزه و هدف اصلی جنگ در افغانستان بود، از کشور خارج شدند و حزب اسلامی نیز بنابر همین حقیقت عینی، وارد گفتگوهای صلح شد. این تغییر تنها یک تغییر کمی نبود، بلکه از لحاظ کیفی نیز تغییرات وسیعی را با خود داشت که به همین ترتیب راه برای ما باز شد تا مذاکرات صلح را آغاز نماییم. بنابراین، از سال ۲۰۱۴ به این سو ۹۹ درصد از قربانیان جنگ، افغان‌ها اند و بیش از ۹۰ درصد قربانیان افغان‌های غیر محارب اند. اگر ما ادعا داریم که برای ملت خود کار می‌کنیم، به هیچ صورت نمی‌توانیم جنگ بین‌افغانی که قربانیان آن افغان‌هاست، یک جنگ خارجی عنوان کنیم.

پنجم؛ این واقعیت نیز باید پذیرفته شود که خروج نیروهای خارجی نباید به عنوان پیش‌شرط، بلکه به عنوان هدف در مذاکرات قرار داده شود. تا زمانی که خروج نیروهای خارجی به عنوان یک شرط مطرح باشد، امکان موفقیت تلاش‌های صلح دیده نمی‌شود. امروز اکثریت کشورهایی که نیروهای شان در افغانستان حضور دارند، می‌گویند که اگر در بین خود صلح کنید، ما آماده ایم این کشور را ترک گوئیم. همچنان، طالبان اهداف خویش را که استقلال، جهاد و حکومت اسلامی است، محور اصلی گفتگوها قرار دهند، نه تقسیم قدرت، وزارت‌ها و ولایت‌ها.

آقای محمد امین کریم در پایان سخنانش نیز اظهار داشت که یافته‌های سروی مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی، با سروی که توسط آن‌ها در صفحات شمال افغانستان سال گذشته در رابطه به صلح و جنگ انجام یافته است، همخوانی دارد.

ملا عبدالسلام ضعیف:

ملا عبدالسلام ضعیف سخنان سوم نشست و سفیر پیشین حکومت طالبان در اسلام‌آباد نیز در سخنانش به راه‌های موفق شدن پروسه صلح پرداخت. به گفته آقای ضعیف، هرچند جهت‌ها و شخصیت‌های متعدد برای حل قضیه افغانستان تلاش کرده‌اند، ولی تاکنون عملاً شاهد آرامی و ختم جنگ در کشور نیستیم.



ملا عبدالسلام ضعیف سخنان سوم نشست و سفیر پیشین حکومت طالبان در اسلام‌آباد

به باور وی، چند نکته ذیل برای آغاز گفتگوهای سازنده صلح، ضروری پنداشته می‌شود:

نخست؛ یکی از مشکلات مهم در حال حاضر، استراتژی است که یک جهت قضیه تلاش می‌ورزد، جهت مقابل خود را مغلوب سازد. برای گفتگوهای صلح نیز ترجیح داده می‌شود تا از یک موقف قوی گفتگوها صورت گیرد. معنای "موقف قوی" این است که یک جهت قضیه سرکوب گردد و بعداً به شکل محکوم و محروم به گفتگوهای صلح تن دهد. این محکومیت و محرومیت به این معناست که به جای عدالت، سخن زور و فشار مطرح است. بنابراین، مهم‌ترین نکته این است که استراتژی ناکام زور و خونریزی به یک استراتژی تغییر یابد که بر حقیقت استوار باشد و استراتژی گفتگوهای واقعی باشد. این نکته بیشتر به جهت طالبان متوجه نیست، چون طالبان از سال ۲۰۰۱ به این سو جهت محکوم پنداشته می‌شود و تا امروز در محکومیت زنده‌گی

می‌کنند. خانه آن‌ها ویران شده، از خانه شان رانده شده و در این جنگ تحمیلی به حالتی برده شده‌اند که بیرون رفتن از آن، در قدرت آن‌ها نیست. بناء، جهتی که خود را حاکم و نمایندهٔ مرم می‌داند و قدرت در دست دارد، در قدم نخست ابتکار نماید.

در جنگ کنونی یکی از واقعیت‌ها این است که جنگ در دست حلقات مافیایی قرار دارد که در ادامهٔ جنگ منافع خویش را دنبال می‌کنند و تلاش دارند این جنگ ادامه یابد. ولی استراتیژی نظامی که در حضور ده‌ها هزار سرباز خارجی ناکام شد و اکنون بار دیگر تجدید گردید، یک‌ونیم دههٔ گذشته ثابت ساخته است که این استراتیژی ناکام بوده و در آینده نیز ناکام خواهد بود. با وجود اینکه وضعیت نسبت به گذشته خراب‌تر شده و حاکمیت حکومت افغانستان نیز کم‌تر شده است. بنابراین، مجبور ساختن طالبان از راه زور و فشار به گفتگوهای صلح، یک تلاش نادرست و ناکام و تکرار تجارب ناکام گذشته است. به همین دلیل، تغییر نمودن استراتیژی جنگی به استراتیژی صلح یک سرآغاز خوبی خواهد بود.

به گفتهٔ آقای ضعیف، در حال حاضر به چند گام ذیل که باید به منظور موفقیت گفتگوهای صلح، بدون پیش‌شرط‌ها برداشته شود، نیاز جدی وجود دارد:

دوم؛ اگر می‌خواهیم به گفتگوهای صلح راه گشوده شود، در قدم نخست نیاز جدی به اعتمادسازی میان جهت‌های درگیر قضیه دیده می‌شود. در گام نخست باید یک گروپ میانجی افغان‌ها گماشته شود که به هر دو جهت قابل قبول و قابل اعتماد باشد و تنها برای خیرخواهی افغانستان کار کند. این گروپ نظریات هر دو جهت را نزدیک‌تر نموده و به این ترتیب بی‌اعتمادی‌های موجود تا حدی از میان برداشته شود.

سوم؛ یک مشکلی که از سوی هر دو جانب وجود دارد، به رسمیت نشناختن یکدیگر است. طالبان حکومت افغانستان را منحیث یک حکومت به رسمیت نمی‌شناسند، چون اگر این حکومت را به رسمیت بشناسند، در آن صورت باید با این حکومت جنگ نکنند. آن‌ها فکر می‌کنند که این یک حکومت نمایندهٔ افغان‌ها نیست، در دست خارجی‌ها قرار دارد و با کمک‌های نظامی آن‌ها به پیش می‌رود. بالعکس موقف حکومت نیز این است که گروه طالبان در دست دیگران است. در حال حاضر تلاش می‌شود که حکومت با طالبان طوری سخن بگوید که طالبان یک گروپ عادی است و حکومت یک حکومت قانونی است و با این موقف با طالبان گفتگو کردن برای طالبان مشکل خواهد بود. بهتر است موضوع رسمیات در میان نباشد و از طریق تفاهم بین‌الافغانی اعتمادسازی شود.

چهارم؛ در گام بعد از ایجاد یک گروپ میانجی بی طرف افغان‌ها، به آدرسی برای طالبان فکر شود که عزت آن‌ها در آن حفظ باشد، احساس محکومیت و محرومیت نکنند و از مسؤولیت و صلاحیت نیز برخوردار باشند. و این آدرس را حکومت افغانستان به رسمیت بشناسد.

افواهایی نیز وجود دارد که طالبان در قطر دفتر دارند. این سخن درست نیست، طالبان دفتر ندارد و در سال ۲۰۱۳ دفتر طالبان در قطر تنها برای یک ساعت گشایش یافته و دوباره بسته شده است. بنابراین، طالبان در حال حاضر آدرسی که از طریق آن گفتگوهای سیاسی صورت گیرد، در اختیار ندارند و این امر نیز باعث شده، گفتگوهای صلح نتیجه‌ی در پی نداشته باشد.

پنجم؛ صلح یک نیاز و یک حقیقت است. اگر واقعا خواهان صلح باشیم، پس نام صلح نباید تا شعار و پروسه‌ی محدود شود. به عبارت دیگر، یک میکانیزم قانع کننده برای صلح به وجود آید که نتیجه بخش باشد. اینکه امروز گفته می شود، با این و آن جهت خواست‌های خویش را مطرح کردیم و با این و آن جهت دیدار کردیم، همه و همه ضیاع وقت است. بنابراین، اگر صلح از شکل یک پروژه به شکل یک پروسه تغییر کند، ممکن نتیجه‌ی به دست بیاید.

ششم؛ نکته دیگر نیز عدالت مساویانه است. یک جهت باید به دلیل اینکه دارای قدرت و نیرو است و باید با استفاده از این نیرو، فکر خود را بر جهت مقابل تحمیل نمایم، مغرور نشود. مثال‌های زیادی وجود دارد که به دلیل همین گونه بی عدالتی‌ها، بسیاری از مردم به این جنگ تحمیلی روی آورده است.

هفتم؛ یک حقیقت تلخی که در حال حاضر توجیه می شود، حضور نیروهای خارجی در کشور است. حقیقت این است که نیروهای خارجی از روزی که در سال ۲۰۰۱ به خاک افغانستان حمله‌ور شدند، تا امروز در این کشور حضور دارند. تاکنون هوای افغانستان در کنترل و اختیار آن‌هاست، قومانده در اختیار آن‌هاست، اسلحه از آن‌هاست، پیسه از آن‌هاست و استراتیژی نیز از آن‌هاست. هم‌اکنون که پس از اعلام استراتیژی جنگی ترامپ، جنگ در مناطق مختلف کشور شدت یافت، این انتخاب چه کسی است؟ شخصا برای خودم به حیث یک افغان تفاوت ندارد که اینجا ۱۰۰۰ سرباز خارجی حضور دارد و یا ۱۰۰۰۰۰ سرباز خارجی؛ زمانی که استقلال و حاکمیت مرا غصب کرده باشند، کشتارها و خونریزی می نمایند، اینجا زندان دارند، به خانه‌های مردم چاه می زنند؛ اگر صد تن باشند، یا یک هزار تن باشند و یا صد هزار تن باشند، هیچ تفاوتی ندارد.

تا زمانی که این حقیقت به عنوان یک حقیقت شناخته نشود، صلح در کشور ممکن نیست. بناء، جهتی که به خارجی‌ها اثری می‌تواند داشته باشد، با آن‌ها گفتگو نماید تا آن‌ها برنامه زمانی خویش را روشن نمایند و روشن شود که تا چه زمانی می‌خواهند در اینجا بمانند. روی خواست‌های که حق قانونی آن‌هاست، گفتگو شود؛ ولی اگر آن‌ها با زور در اینجا می‌مانند، فکر نمی‌کنم گفتگوها با طالبان نیز نتیجه‌ی داشته باشد، چون این یک عامل اساسی است. اگر امروز مولوی هبت الله اخندزاده رهبر طالبان به کابل بیاید و تسلیم شود، این مشکل حل نمی‌شود، اگر طالب نباشد یک کسی دیگری برمی‌خیزد و جنگ می‌کند و همین خونریزی‌ها ادامه خواهد داشت.

ملت افغانستان نیز باید نام صلح را عام‌تر کند و از هر گوشه و کناره جامعه صداهاى صلح به شکل وسیع بلند شود. در حال حاضر هر سه جهت (حکومت و متحدین آن، طالبان، ملت افغانستان) می‌توانند در پایان دادن به جنگ و راه‌گشایی به صلح، نقشی ایفا نمایند.

وی در پایان سخنان خویش ابراز داشت که در حال حاضر یکی از مشکلات، این مشکل نیز بسیار جدی است که همه جهت‌ها در حل کردن مشکل کنونی بر مردم خویش اعتماد نمی‌کنند. طالبان، حکومت، و ملت افغانستان باید بر مردم خود برای حل نمودن این قضیه اعتماد کنند.

محمد ناطقی:

محمد ناطقی سخنان چهارم این نشست و رئیس کمیسیون نظارت بر تطبیق موافقت‌نامه سیاسی حکومت وحدت ملی در سخنان خویش روی راه بیرون رفت از این بن‌بست پرداخت.

آقای ناطقی که یکی از اعضای هیأت مذاکره کننده حکومت در مذاکرات رودر رو با طالبان در سال ۲۰۱۵ نیز بود، در بن‌بست کنونی صلح در کشور هر دو جهت (حکومت و طالبان) را مقصر دانست.



محمد ناطقی رئیس کمیسیون نظارت بر تطبیق موافقت‌نامه سیاسی حکومت وحدت ملی

وی گفت، طالبان از این جهت در بن‌بست کنونی صلح مقصر اند که به گفته او، حکومت افغانستان نه با حزب اسلامی و نه هم با طالبان پیش‌شرط‌هایی برای مذاکرات قرار داده است؛ ولی طالبان متأسفانه پیش‌شرط‌های زیادی می‌گذارند و همین سختی و شرط‌ها در گفتگوها از جانب طالبان باعث شده، به نتیجه‌ی نرسیم و فرصت‌ها ضایع گردد.

آقای ناطقی افزود، به تاریخ ۷ جولای سال ۲۰۱۵ برای نخستین بار در تاریخ قضیه فعلی افغانستان، برای چهار ساعت با نمایندگان طالبان در مری اسلام‌آباد دیدار کردیم در آن دیدار روی چهار نکته مهم بحث صورت گرفت که عوامل بن‌بست کنونی را می‌توان به خوبی از بیان آن‌ها روشن ساخت:

نخست: نکته اول طالبان این بود که نیروهای خارجی باید از افغانستان خارج گردد. این زمانی بود که بخش بزرگ نیروهای خارجی از افغانستان بیرون شده بود و ما به آن‌ها گفتم که از مجموع ۱۳۰ هزار سرباز خارجی

اکنون حدود ۸ هزار آن‌ها در کشور باقی مانده است، یک تغییر بزرگ آمده و اگر ما و شما به تفاهم برسیم، نیروهای باقی مانده نیز کشور را ترک خواهند گفت.

دوم: سخن دوم نماینده‌گان طالبان در مورد تغییر قانون اساسی کشور بود. هرچند جزئیات بیشتر را ارائه نکردند، ولی ما به آن‌ها گفتیم که قانون اساسی وحی آسمانی نیست و می‌توانیم آنرا تغییر دهیم، ولی در چوکات میکانیزم‌هایی که برای این کار تعریف شده است؛ نه از طریق زور و میله تفنگ. به زور تفنگ تغییر قانون اساسی نه، بلکه نظام سرنگون می‌گردد.

سوم: سخن دیگر آن‌ها نیز در مورد زندانیان بود که در همان زمان حامد کرزی به دلیل اینکه از زندان بگرام ۶۰۰۰ زندانی را آزاد ساخته است، با انتقادهای زیادی نیز روبه‌رو بود. من به رئیس هیأت مذاکره کننده طالبان گفتیم که هم‌اکنون از زندان بگرام بخش بزرگ از زندانیان آزاد شده‌اند، و باقی نیز آزاد خواهند شد.

چهارم: سخن چهارم نماینده‌گان طالبان نیز در مورد لیست سیاه بود که در این مورد نیز ما به آن‌ها گفتیم که این مسئله در جریان است و حل‌شدنی نیز است. موضوعات زندانیان و لیست سیاه، موضوعاتی اند که در مذاکرات با حزب اسلامی نیز مطرح بود و با بحث و گفتگو بر سر میز حل می‌گردد. تجربه صلح با حزب اسلامی در این مورد ملموس‌ترین تجربه است.

در جانب دیگر، وی تاکید نمود که قضیه افغانستان راه‌حل نظامی ندارد، یک راه‌حل دارد و آن راه‌حل صلح و گفتگوها است. به گفته او، پافشاری بر راه‌کار نظامی خیانت با مردم افغانستان است. در راه‌حل گفتگوها باید انعطاف صورت گیرد و بیشتر از همه حکومت افغانستان در این مورد مسؤول است که باید واقعیت‌ها را بپذیرد و به گفتگوهای سازنده با جهت اصلی طالبان، زمینه را مساعد سازد.

آقای محمد ناطقی شورای عالی صلح را نیز مورد انتقاد قرار داد و گفت: «این شورا تاکنون نیز کار درستی انجام نداده و من فکر نمی‌کنم طالبان نیز با این‌ها گفتگو کنند. طالبان اگر گفتگو می‌کنند، مانند حزب اسلامی مستقیماً با حکومت گفتگو کنند.»

محمد زمان مزمل:

محمد زمان مزمل سخنان پنجم این کنفرانس و فعال عرصه صلح، روی موانع موجود در پروسه صلح سخنانی کرد.

آقای مزمل گفت، همین اکنون که مقام‌های ارشد حکومت برضد حکومت در قندهار جلسه دارند و از این وضعیت راضی نیستند، سایر افغان‌ها چگونه از این وضعیت راضی خواهند بود. به گفته او، مسائل ملت‌ها یا یک رهبر موفق و یا هم یک ملت زنده یکطرفه می‌کنند، اما اینجا ۱۷ سال شد که در یک وضعیت بدی قرار داریم و هنوز هم ملت ما از جنگ رنج می‌برند.



محمد زمان مزمل فعال عرصه صلح

محمد زمان مزمل گفت، هرچند تلاش‌هایی برای صلح وجود داشته، ولی موانعی زیادی در برابر صلح وجود دارد که مهم آن‌ها عبارت‌اند از:

نخست؛ مداخله و اشغال. در حال حاضر بزرگترین مانع در برابر صلح، خود خارجی‌ها و مداخلات آن‌هاست که در افغانستان صلح نمی‌خواهند.

دوم؛ حکومت یک‌حزبه. در حکومت‌های پیشین و هم‌اکنون این مشکل وجود دارد. به گونه مثال، سهم اکثریت وزیران مهم به یک دره دادن و عدالت را زیر پا کردن، خود ایجاد کننده جنگ است. جنگ یک امر طبیعی است و مردم خود برمی‌خیزند.

گل رحمن قاضی:

پوهاند گل رحمن قاضی سخبران ششم نشست و رئیس شورای صلح و نجات افغانستان از فرصت‌های صلح سخن زد.

به گفته او، این حقیقت باید درک شود که در هر دو جهت افغان‌ها کشته می‌شوند. بالای این مردم باید دلسوزی کرد. کسانی که به جنگ دامن می‌زنند، در ادامه جنگ منافع خود را جستجو می‌کنند و یا هم در جنگ حاکمیت خود را حفظ می‌کنند، «این جرئت را دارند که فرزندان خود را به میدان جنگ بفرستند!؟».



پوهاند گل رحمن قاضی رئیس شورای صلح و نجات افغانستان

وی تاکید کرد که حکومت قطعا برنامه و راه‌کاری برای صلح ندارد و صلح را نیز نمی‌خواهد. مخالفین مسلح نیز راه‌کاری برای صلح ندارد، ولی با این تفاوت که آن‌ها اراده سیاسی برای صلح دارند، چون آن‌ها در مقایسه با حکومت در وضعیت بسیار بدی قرار دارند. در این میان تنها ملت افغانستان است که خواهان صلح به معنای واقعی آن است.

آقای قاضی افزود، وجیهه نخبه‌گان جامعه است که برخیزند و برای صلح کاری بکنند. تجربه زور و پروژه‌های خارجی ناکام است، خارجی‌ها صلح نمی‌آورند، صلح اگر به نفع آن‌ها می‌بود، از پیش صلح در کشور تامین می‌شد.

به گفته او، در حال حاضر فرصت‌های زیادی برای صلح وجود دارد، اما وقتی نیز فرا خواهد رسید که فرصت یک گردهمایی نیز وجود نخواهد داشت.

آقای گل رحمن قاضی گفت: «یک‌ونیم سال پیش در قطر با نماینده‌گان طالبان دیدار کردیم و در مورد بسیاری چیزها به توافق رسیدیم. با گذشت یک‌ونیم سال، چنانچه دروازه حکومت وحدت ملی بر روی هر حرکت صلح بسته است، بر روی ما نیز بسته شد. تا زمانی که صلح افغانی نشود و یک میانجی افغانی که هیچ امتیازطلبی نکند، به میان نیاید، این قضیه حل شدنی نیست».

پایان



ارتباط با ما:

ایمیل: info@csrskabul.com csrskabul@gmail.com

وب سایت: www.csrskabul.com - www.csrskabul.net

شماره تماس دفتر: (+93) 784089590

ارتباط با مسئولین:

دکتر عبدالباقي امين، رئيس مركز مطالعات استراتژيك ومنطوقی: (+93) 789316120 abdulbaqi123@hotmail.com

حکمت الله خُلاَند، مسؤول بخش پژوهش‌ها و نشرات: (+93) 775454048 hekmat.zaland@gmail.com

یادآوری: لطفا نظرات و پیشنهادات خود را جهت بهبود مطالب این نشریه به ما ارسال دارید.